

فستیوال موسیقی **کوچه** لغو شد
اما باردیگر به جریان افتاد

کوچه

دوباره می‌خواند

حمایت وزارت ارشاد از فستیوال کوچه منجر
به صدور مجدد مجوز و ادامه برگزاری آن شد **صفحه ۴**

گزارش هفت‌صبح از بازار عجیب و غریب ساعت‌های لوکس
در تهران که با بیت کوین معامله می‌شود

یک آپارتمان
روی مچ میلیاردرها

برندهایی مانند رولکس و پتک فیلیپ در ایران مشتریان خاص
دارند. بعضی ساعت‌ها پیش فروش می‌شوند **صفحه ۶**

چرا موبایل در ایران گران‌تر از بازار جهانی است؟
عضوهای رئیسه اتحادیه فروشندگان گوشی پاسخ می‌دهد

نرخ ارز و تعرفه‌های گمرکی
همه علیه خریدار

صفحه ۳

یادداشت

نشانه‌های یک شکست

فروش میلیاردی و اکران طولانی دارند. استفاده به‌جا از هر متربالی هم هنر است. آن‌طرف‌تر در سیمای خودمان چه خبر است؟ خانواده‌های سنتی، حوض و پاشیر و ساده‌زبستی و حلال و حرام و اخلاق‌مداری و خواستگاری و بدجنس‌های آب‌پرقال خور روبدوشامبر پوش. بینندگان این سریال‌ها کیستند؟ چه عرض کنم. چه درصدی از مخاطبان را تشکیل می‌دهند؟ باز چه عرض کنم. قابل عرض نیست. این‌ها نشانه‌های یک شکست بزرگ است. در این فرا‌هایی که سیاهه کردم نکته آشکاری هست. داعیه‌های فرهنگی مسئولان طی این سال‌ها تنها در حد داعیه ماند. پیداست که ذوق و سلیقه و علاقه مخاطب هیچ به سمت و سویی که آنها خواستند نرفت و نخواهد رفت. چرا؟ دلیلش ساده است. مخاطب موجودی منفعل نیست که با شعار و بگیر و ببند و میزبانی و آمار قلابی بشود سلیقه و علاقه‌اش را تغییر داد. تمام عناصری که اکنون مایه جذب مخاطبان در رسانه‌های عمومی هستند، دقیقاً همان‌هایی هستند که سال‌هاست مسئولان فرهنگی با آنها خصومت داشته‌اند، در حد توان ممنوع‌ش ساخته‌اند و مدام علیه آن تبلیغ کرده‌اند، این چیزها که گوش و چشمش بدهکار نیست. باید محصول در‌خور ی پیش رویش بگذارد تا از زیبایی‌شناسی و دل‌بستگی‌های قریحه‌اش دست بکشد. این همه بودجه و شعار و تبلیغ، عملاً چنین آثار فاخر امروزی را قیاس کنید با هر ترانه‌ای از آن روزگار و آن خواننده‌های نقره‌ای؟ بهتر و معنادارتر و زیباتر هستند. همین اتفاقاً معیار خوبی‌ست. یک ترانه به‌انتخاب خود مسئولین، از این آثار فاخر امروزی را قیاس کنید با هر ترانه‌ای از آن روزگار و آن خواننده‌های مغضوب و ممنوع. تنها اندکی وجدان لازم است که بدانیم صفت «مبتذل» برازنده کدماشان است.

علی مسعودی‌نیا
هفت صبح

شبکه‌های پر‌بیننده و عامه‌پسند ماهواره را که بالا و پایین کنی، هر چند دقیقه یک‌بار آنونس چند فیلم کم‌دی را می‌بینی لاجرم که مردانش در حال رقصیدن هستند با ترانه‌ای از موسیقی لس‌آنجلسی یا با اصل یا بازخوانی ترانه‌ای از دوران پیش از انقلاب. گاهی این بازخوانی‌ها به بدلکاری تصویری هم می‌رسد؛ یعنی می‌بینی در جایی از کادر باز‌گیری را هم به شکل آن خواننده گریم کرده‌اند و مثلاً مشغول اجرای زنده است. شوخی‌هایشان را می‌بینی که عمدتاً از جنس شوخی‌های کلامی سینمای بدنه پیش از ۵۷ هستند، یعنی کلامی طنزی که امثال تقی‌ظهوری و ارحام صدر و میری و اصغر سمسارزاده نماینده آن بودند و بیشتر به عنوان چاشنی و نمک سینمای جاهلی به کار می‌رفت. از به کار بردن صفاتی چون «سخیف» و «مبتذل» بیزارم چون خود این واژه‌ها و معناشان به دلیلی که خواهم گفت سخیف و مبتذل شده‌اند در سه دهه اخیر. آن‌طرف وقتی به پلتفرم‌های نمایش خانگی سر می‌زنی، سریال‌ها پیش رویت هستند که قرار است جدی‌تر باشند اما همچنان از کشش لازم برای جذب مخاطب وسیع برخوردار. باز چه می‌شنوی و می‌بینی؟ جاهل مسلک‌های تک‌روی لمپن قهرمان، زندگی‌ها و تفنن‌های لاکچری طبقات مرفه، مولن‌روژ، چاتانوگا، مجلس نوش‌خواری، کوچینی و باز انبوهی از ترانه‌ها و فیلم‌ها و بینامتن‌های دوران پیش از انقلاب. با گلچینی از ترانه‌های نوستالژیک خواننده‌های محبوب ممنوع دور از وطن یا ستارگان موسیقی پاپ و سنتی پیش از انقلاب یا سالادی از ترانه‌های فرنگی باب روز یا خاطره‌سازهای قدیمی‌تر. این‌ها را به عنوان صفات ناپسند آثار موجود فهرست نمی‌کنم. هیچ ایرادی ندارد. این همه بیننده هم جذب‌شان می‌شود و با علاقه پیگیری می‌کند هفته به هفته. همان فیلم‌های کم‌دی بازاری هم

پاپ فرانسیس، نخستین پاپ لاتین تبار در گذشت

پایان یک عصر در واتیکان

رهبر کاتولیک‌های جهان با تمام امیدها و تناقض‌هایش
پس از تحمل یک دوره بیماری، روز گذشته در
۸۸ سالگی به خانه ابدی کوچ کرد

همین صفحه و صفحه‌های ۱۱، ۱۲



صبح دوشنبه عید پاک، واتیکان خبر درگذشت پاپ فرانسیس را اعلام کرد؛ مردی که طی ۱۲ سال رهبری کلیسای کاتولیک، کشید آن را به جهانی پر از تغییرات و چالش‌ها نزدیک‌تر کند. فرانسیس، نخستین پاپ لاتین‌تبار تاریخ، در سن ۸۸ سالگی در اقامتگاهش در سانتا‌مارتا چشم از جهان فروست.

کاردینال کوین فارل با لحنی رسمی اعلام کرد: «پدر مقدس ما فرانسیس، در ساعت ۷:۳۵ صبح به خانه پدر بازگشت. او زندگی خود را وقف خدمت به خدا و کلیسای او کرد»

● **مردی از جنوب جهان**

خورخه ماریو بر گولیو در سال ۱۹۳۶ در بوئنوس آیرس به دنیا آمد. دوران کودکی او با مشکلات اقتصادی و بیماری همراه بود؛ در ۲۱ سالگی بخشی از ریه‌اش را به علت عفونت شدید از دست داد؛ تجربه‌ای که در سال‌های پایانی زندگی، با بیماری‌های مکرر تنفسی دوباره سایه‌اش را بر سر او انداخت.

پس از انتخاب به عنوان پاپ در سال ۲۰۱۳، فرانسیس تصویری متفاوت از رهبری کلیسا ارائه داد. برخلاف سنت‌های پرمطراق واتیکان، زندگی ساده‌ای در پیش گرفت و بارها تاکید کرد کلیسا باید «خانه فقرا» باشد.

● **پای در جست‌وجوی نزدیکی به مردم**

فرانسیس تلاش کرد با ساده‌تر کردن تشریفات کلیسایی و بازتعریف جایگاه کلیسا در مسائل اجتماعی، فاصله سنتی میان مردم و واتیکان را کمتر کند. او طی دورانش به ۴۷ کشور سفر کرد، در میان پناهجویان رفت، بر پای فقرا بوسه زد و حتی در سخت‌ترین روزهای دنیاگیری کرونا، با دعا‌های صبحگاه‌های‌اش از طریق رسانه‌ها، در خانه میلیون‌ها نفر حضور یافت. با این حال، تلاش‌هایش برای اصلاح ساختارهای عمیق کلیسا، به ویژه در مواجهه با بحران سوءاستفاده‌های جنسی، به نتایج متفاوتی رسید.

● **تناقض‌های یک مرد مدرن**

فرانسیس گاهی با موضعی تازه، جهان را شگفت‌زده کرد اما در سال‌های آخر، تغییر مواضع هم در او دیده شد. امضای سند «کرامت بی‌نهایت» در سال ۲۰۲۴ که مخالفت شدید واتیکان با تغییر جنسیت و رحم جایگزین را بازتایید کرد، باعث شد برخی حامیان اصلاحات، نسبت به جهت‌گیری کلیسا ناامید شوند.

● **سلامت شکننده، روح سرکش**

پاپ فرانسیس طی سال‌های اخیر بارها به دلیل بیماری در بیمارستان بستری شد. در فوریه

نگاه

بلاگری و سوداگری با سوگ

گرفتن با خود جنازه. اینکه چطور در آن حال خراب، حواسش به خودش هست بماند. اینکه دیگران با ساختن کلیپ‌های احساسی از آن ویدئوها در حال درس اخلاقی دادن هستند هم همین‌طور.

مسئله این است که بلاگری به چنان بلایی دچار شده که حتی به رنج خود هم رحم نمی‌کند و سوگوش را هم به سوداگری شهرت و شهوت دیده شدن بدل می‌سازد. عده‌ای که همواره از کلیشه نخ‌نما و تکراری «قضاوت نکنیم» استفاده می‌کنند باز هم در کاهنت‌ها نوشتند که قضاوت نکنید. که او داغدار است و دارد غمش را به اشتراک می‌گذارد تا از داغش کم کند. اما پیش از این از خود نمی‌پرسند که این چه شکلی از داغدار نیست که اینگونه بر مدار دور‌بین می‌چرخد و لحظه به لحظه بی‌تابی‌اش را قاب می‌گیرد. قلبی که داغ سنگین بر آن نشسته، نای بیان ندارد که دردی چنین، آدم را لال می‌کند نه دلال لایک و ویو و فالوئر. آری به قول چزاره پاسوز: «بزرگ‌ترین توهین به یک انسان، انکار رنج اوست.» اما افشای خون افشان رنج خود در فضای مجازی، نه دردمندی که ادا و اطوارهایی‌ست که سوگواری را به

سودای خودنمایی بدل کرده و نمایشی می‌کند. آنکه در غم از دست دادن یار به سر می‌برد، بار سنگینی را بر جان می‌کشد و دستش یاری نمی‌کند تا با سوگ خود سلفی بگیرد. این چیزی جز سیکسری‌های نمایشی نیست. شواقی شرم‌آور. آنکه کوهی از غم را کول کرده، با داغش کولی‌بازی در نمی‌آورد. داغ هم حریم و حرمت دارد، نمی‌توان آن را به حراج نمایش مجازی گذاشت تا عشق و وفاداری خود را ثابت کرد. زخم را به صوری مرهم می‌کنند نه با هیاهوی بلند در انتظار عمومی...به قول پریا خطاب به حامد در فیلم شب یلدا: «زخم‌های آدم سرمایه است... سرمایه تو با این و اون تقسیم نکن...داد نکش... هوار نکش...صبور، آرام و بی‌صدا همه چی رو تحمل کن...این تیغ تیزی که به جونت افتاده بذار خراشت بده، بذار زخمت برزه، اونقدر زخمت بزنه تا تیزیش کم بشه.» واقعیت این است که بلاگری در گردابی از ابتذال نمایشی افتاده که حتی از سوگ هم بساط کاسبی پهن می‌کنند. گویی همه چیز با کالایی برای فروش است یا ابزاری برای خرید. در قبض و بسط این بساط، زندگی حریم و حرمتاش را از دست می‌دهد و به تجربه نمایشی تبدیل می‌شود.

رضا صائمی
هفت صبح

بلاگری در انواع مختلفش به یک بلای مجازی تبدیل شده است. یکی از انواع آن که به شکل قارچ گونه‌ای در حال رشد است «زوج بلاگری» است که دیگر نه سبک زندگی که سطحی کردن زندگی و سبکبازی آن است. «زوج بلاگری» در حال تبدیل شدن به پدیده پلشتی است که ابتذال‌ش، بذر لودگی را در زمین سخت‌افست می‌کارد. زوج‌هایی که عشو‌های عاشقانه‌شان را در عشرت کده مجازی به نمایش می‌گذارند تا با رویا‌فروشی‌های رمانتیک، خوشبختی دروغین‌شان را پشت ویترن بگذارند و حسرت بخزند. هفته گذشته شاهد یکی از مبتذل‌ترین اشکال سوگواری در شبکه‌های اجتماعی بودیم که وایرال شد و با واکنش‌های زیادی هم همراه شد. محدثه؛ همسر بلاگری به اسم فرهاد فوت می‌کند و او از لحظه به لحظه سوگوش فیلم می‌گیرد و به اشتراک می‌گذارد. از جنازه در آمبولانس گرفته تا خاک ریختن بر سر خود هنگام خاکسپاری. از گریه و زاری و آه و شیونش تا مویه کردن برای فالوئرهایش. حتی فیلم

دفاع دوباره **آنجلینا جولی**
از فلسطینی‌ها

بازیگر مشهور هالیوود
با انتشار یک پیام اینستاگرامی
جنايات اسرائيل در غزه را
محکوم کرد

صفحه ۱۰



روایت دردناک مادر جوان از لحظه زمین خوردن دختر خردسالش در جریان حمله سارقان موبایل

سارق جوان: وقتی زمین خوردند خیلی ناراحت شدم

زن افغان: تقاضای اشد مجازات برای سارقان دارم **صفحه ۷**

سینما و واتیکان؛ نگاهی به شخصیت‌های
قدرتمند و پیچیده پاپ

فیلم‌هایی از دل کلیسا

زندگی و مرگ پاپ‌ها بستری برای روایت‌های پیچیده
انسانی و گاه کم‌دی فراهم کرده است **صفحه ۴**

کلاهبرداری در شمال، جاقوهای زنگ‌زده در جنوب
همه چیز درباره جرم و جنایت در پایتخت

جغرافیای جرم در تهران

اختلاس، کلاهبرداری و پولشویی در شمال شهر و سرقت‌های خرد توزیع مواد مخدر و نزاع در جنوب شهر اتفاق می‌افتد **صفحه ۹**

سیاستمدارانی که به سوژه طنز جهانی تبدیل شدند

میم‌های قدرت

بررسی چهره‌هایی که یک اشتباه ساده یا یک تصویر عجیب
آنها را به بخشی از حافظه طنز اینترنتی جهان بدل کرد

صفحه ۲



بازگشت جنگ ستارگان با داستانی تازه و تیردهای تاکتیکی

فرماندهی کن
بجنگ و نجات بده

در این بازی، انتخاب‌های بازیکن سرنوشت
داستان را تغییر می‌دهند **صفحه ۸**

پسته ایرانی در یک قدمی
ممنوعیت صادرات

اتحادیه اروپا محموله‌های پسته ایرانی را به دلیل آلودگی بالای آفلاتوکسین بازگرداند و به ایران مهلت شش‌ماه‌ای برای بهبود کیفیت داد **صفحه ۳**

حسین وفایی در یک نبرد
نفسگیر هاوکینز حریف
سرسخت بریتانیایی را با
نتیجه ۱۰-۹ شکست داد

وفایی بازی را
برگرداند

استوکر بازکشورمان در حالی
فریاد شادی زد که هنوز بازی به
پایان نرسیده بود

صفحه ۱۱





سیاست روی لبه احساسات

نقش هیجانات جمعی در جهت دهی به تصمیمات

سیاسی معاصر

محمد حاجی مومنی
هفت صبح

در جهان امروز که رسانه‌ها هر لحظه ضریان جامعه را اندازه می‌گیرند، یک پرسش بنیادی در سیاست گذاری و تحلیل اجتماعی دوباره در مرکز توجه قرار گرفته است: «آیا ما با افکار عمومی روبه‌رو هستیم یا احساسات عمومی؟»

افکار عمومی، در تعریف کلاسیک، به مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها و ارزیابی‌های عقلانی شهروندان نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی گفته می‌شود. از نگاه سنتی، این افکار با بحث، تبادل اطلاعات و ارزیابی شواهد شکل می‌گیرد. اما در دنیای شتابزده امروز، به نظر می‌رسد احساسات عمومی، یعنی واکنش‌های هیجانی و فوری جمعی، نقشی پررنگ‌تر یافته‌اند؛ واکنش‌هایی که لزوماً حاصل اندیشه منطقی یا تحلیل ژرف نیستند، بلکه بازتابی از ترس، خشم، امید یا سرخوردگی‌های لحظه‌ای‌اند.

نمونه‌های بارز این تغییر را می‌توان در وقایع گوناگون داخلی و بین‌المللی مشاهده کرد. از کمپین‌های انتخاباتی تا جنبش‌های اجتماعی، از سیاست‌های تغییر اقلیم تا تصمیمات اقتصادی کلان، در همه این عرصه‌ها سیاستمداران به‌طور فزاینده‌ای در پی مهار یا تحریک احساسات عمومی هستند، نه صرفاً اقناع عقلانی افکار عمومی. حتی بحران‌های بهداشتی نظیر پاندمی کرونا نشان داد که چقدر تصمیمات جمعی تحت تأثیر احساسات ترس، خشم یا ناامیدی تغییر می‌کند و مسیر سیاستگذاری را به جهاتی گاه غیر قابل پیش‌بینی می‌کشاند.

در ایران نیز طی سال‌های اخیر، بارها شاهد بوده‌ایم که چگونه موجی از احساسات، اعم از خشم نسبت به فساد و اختلاس، امید به بهبود وضعیت اقتصادی، یا نگرانی از آینده، می‌تواند فضای سیاسی کشور را ظرف چند روز دگرگون کند. تصمیمات پرسرعت، وعده‌های احساسی و گفتمان‌های شدیداً عاطفی جای گفت و گوهای تحلیلی و سنجیده را گرفته‌اند. در چنین شرایطی، عرصه سیاست بیش از آنکه میدان مناظره عقلانی باشد، به صحنه‌ای برای مدیریت یا بهره‌برداری از هیجان‌های جمعی تبدیل شده است.

رسانه‌های اجتماعی نیز این روند را تسریع کرده‌اند. توییت‌های کوتاه، ویدئوهای ۳۰ ثانیه‌ای و هشتگ‌های احساسی بیش از مقالات بلند و تحلیل‌های دقیق اثر گذارند. سیاستمدارانی که بتوانند با چند کلمه آتش احساسی به پا کنند، بیشتر از کسانی که با استدلال‌های مفصل اقناع می‌کنند، در کانون توجه قرار می‌گیرند. حتی در مواردی، دیده‌ایم که یک جمله احساسی یا یک تصویر تأثیر گذار، بیشتر از هزاران ساعت مناظره کارشناسی نتیجه‌بخش بوده است.

اما این جابه‌جایی چه پیامدهایی دارد؟ نخستین پیامد، شکنندگی تصمیمات سیاسی است. تصمیماتی که بر پایه احساسات لحظه‌ای اتخاذ شوند، در برابر تغییر امواج هیجانی جامعه بسیار آسیب‌پذیرند. این امر می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی، بی‌اعتمادی عمومی و حتی بحران‌های اجتماعی دامن بزند. وقتی سیاست بر موج احساسات سوار شود، هر لحظه ممکن است این موج سیاستمداران خود را نیز در هم بشکند.

دومین پیامد، تضعیف فرآیندهای دموکراتیک است. دموکراسی زمانی شکوفا می‌شود که شهروندان با اطلاعات کافی و تحلیل عقلانی تصمیم بگیرند. اگر احساسات بر عقلانیت غلبه کند، زمینه برای ظهور پوپولیسم و تصمیمات عوام‌پسندانه اما غیرمسئولانه فراهم می‌شود. در چنین فضایی، سیاست به مسابقه‌ای برای جلب هیجانات تبدیل می‌شود، نه به فرآیندی برای حل مشکلات عینی. در نهایت، این سؤال جدی پیش روی سیاستمداران و نخبگان فکری است: چگونه می‌توان بین احساسات عمومی و افکار عمومی توازن برقرار کرد؟ نادیده گرفتن احساسات جمعی خطایی استراتژیک است، چرا که احساسات بخشی از واقعیت جامعه‌اند. اما سیاست‌ورزی صرفاً بر پایه هیجان نیز راهی به‌سوی بحران است. شاید راه‌حل، در ایجاد فرهنگ گفت‌وگوی واقعی، تربیت رسانه‌ای جامعه، ارتقای سواد هیجانی و سیاسی شهروندان و البته مسئولیت‌پذیری رسانه‌ها در انتقال دقیق اطلاعات باشد.

در دنیایی که سرعت انتقال اطلاعات، عمق تحلیل را تهدید می‌کند، وظیفه نهادهای رسانه‌ای، آموزشی و مدنی این است که احساسات مردم را بازتاب دهند و همچنین به آنها کمک کنند تا احساسات‌شان را بفهمند، تحلیل کنند و در نهایت به افکاری روشن و تصمیماتی سنجیده تبدیل کنند. تنها در این صورت است که سیاست می‌تواند از مدار هیجان‌های زودگذر خارج شده و به عرصه عقلانیت جمعی بازگردد.



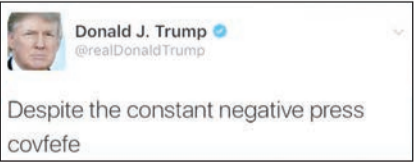
دستکش‌های یافتنی که دنیا را گرفتند

در یکی از روزهای سرد ژانویه ۲۰۲۱، مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید آمریکا در واشنگتن در جریان بود که عکسی متفاوت، به سرعت در فضای مجازی فراگیر شد. در این تصویر، برنی سندرز سناتور سرشناس، با کاپشن معمولی و دستکش‌های پشمی دستباف، دور از تشریفات معمول سیاستمداران، روی صندلی نشسته و دستانش را چلیپا کرده بود. حالت او چنان غیررسمی بود که بسیاری گفتند انگار به‌جای شرکت در یک رویداد تاریخی، برای انجام کارهای روزمره بیرون رفته است. همین سادگی و ژست غیرمنتظره کافی بود تا تارتشی از کاربران اینترنت، این تصویر را دستمایه خلایق طنزآمیز کنند. به چشم برهم‌زدنی، عکس سناتور سندرز با آن دستکش‌های معروف، در هر جایی که فکرش را بکیند ظاهر شد؛ از نقاشی‌های مشهور گرفته تا پوستر فیلم‌ها و صحنه‌های مسابقات ورزشی. سندرز بدون آنکه خود بخواهد، ستاره اینترنتی آن روز شد. تصویر او با سرعتی باورنکردنی میلیون‌ها بار به اشتراک گذاشته و میم‌های بی‌شماری بر اساس آن ساخته شد. سندرز که به اخمو بودن شهرت دارد، این بار با نیم‌نگاهی همراه با لیخند به این موج نگاه کرد. در مصاحبه‌ای گفت از اینکه دستکش‌های یافتنی و چهره جدی‌اش تبدیل به سوزه شادی مردم شده خوشحال است، به‌ویژه که ثمره آن کمک به نیازمندان بوده است. در واقع تیم او با الهام از این میم، بلافاصله اقدام به فروش سویشرت و تی‌شرت‌هایی با تصویر همان عکس کرد و طی چند روز حدود ۱۰۸ میلیون دلار برای امور خیریه در ایالت ورمانت جمع‌آوری کرد.

Covfefe: اشتباه تایپی که جنجال آفرید

چند سال قبل از ماجرای دستکش‌های سندرز، جهان یک کلمه عجیب دیگر را بر سر زبان‌ها انداخت: «Covfefe». نیمه‌شب یکی از روزهای سال ۲۰۱۷، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا توییتی نامفهوم منتشر کرد: «علیرغم پوشش خبری دانما منفی Covfefe...». توییت در میانه جمله رها شده بود و کسی معنای «Covfefe» را نمی‌فهمید. این پیام نامتعارف نزدیک به شش ساعت بدون توضیح در حساب ترامپ ماند تا نهایتاً حذف شد. اما در همان فاصله کوتاه، شمله کنجکاوی و شوخ‌طبعی کاربران برافروخته شده بود. میلیون‌ها نفر در توییت شروع به حدس و گمان و شوخی کردند و هشتگ covfefe ترند جهانی شد. عده‌ای آن را صرفاً اشتباه تایپی «coverage» می‌دانستند و برخی دیگر دنبال رمز و راز پنهان در آن بودند؛ ولی برای همه روشن بود که رئیس‌جمهور آمریکا ناخودآگاه سوزه خنده جدیدی به اینترنت عرضه کرده است.

ترامپ به جای عذرخواهی یا توضیح روشن، صبح روز بعد با لحنی شوخ‌طبعانه واکنش نشان داد و توییت کرد: «چه کسی می‌تواند معنی واقعی «Covfefe» را حدس بزند؟؟؟ خوش بگذرانید!» این پاسخ عجیب، بر ابهام ماجرا افزود و نشان داد خود او هم از توجه ایجادشده لذت می‌برد. حتی شان اسپاسر سخنگوی کاخ سفید نیز در مواجهه با پرسش خبرنگاران، مدعی شد «رئیس‌جمهور و گروه کوچکی از اطرافیان دقیقاً منظور توییت را می‌دانند» که خنده حضار را برانگیخت. طولی نکشید که شوخی با covfefe از فضای مجازی فراتر رفت؛ فرهنگنامه اوربان پر شد از تعریف‌های ساختگی برای آن، کمپانی‌ها و افراد مشهور با بازی‌های کلامی این کلمه را دستمایه تبلیغ و طنز قرار دادند و حتی رقیب انتخاباتی ترامپ، هیلاری کلینتون، در توییتی طعنه‌آمیز نوشت «افرادی که در خانه‌های covfefe زندگی می‌کنند نباید covfefe پرت کنند». بدین ترتیب covfefe تبدیل به نمادی از ویژگی‌های خاص دوران اول ریاست‌جمهوری ترامپ شد؛ دوره‌ای که در آن اشتباهات کوچک رئیس‌جمهور به لطف شبکه‌های اجتماعی، به بخشی از فرهنگ عامه بدل می‌شد و تصویر او را به عنوان یک چهره جنجالی و غیرقابل پیش‌بینی بیش از پیش تثبیت می‌کرد.

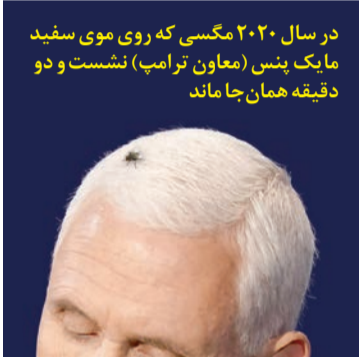


سیاستمدارانی که به سوزه طنز جهانی تبدیل شدند

میم‌های قدرت

جهان بدل کرد

الهه کاکایی
هفت صبح



در سال ۲۰۲۰ مگسی که روی موی سفید مایک پنس (معاون ترامپ) نشست و دو دقیقه همان‌جا ماند

در جهان سیاست قرن ۲۱، یک ژست ساده یا یک اشتباه تایپی می‌تواند رهبران قدرتمند را از سن سیاست به صحنه میم‌های اینترنتی پرتاب کند. زمانی که شبکه‌های اجتماعی فرمان‌روایت را به‌دست می‌گیرند، اقتدار رسمی، جای خود را به تصویر طنز آلود و مردمی می‌دهد

از ابروی ترودو تا مگس پنس: هر چیزی پتانسیل میم شدن دارد

گاهی یک جزء کوچک از ظاهر یا صحنه، دستمایه موجی از میم‌های جهانی می‌شود. جاستین ترودو نخست‌وزیر سابق و جوان کانادا به خوش‌پوشی و هوشمندی مشهور است اما یک‌بار سوزه‌ای کاملاً غیرمنتظره او را بر سر زبان‌ها انداخت: ابروهایش! در حاشیه نشست G۷ سال ۲۰۱۸، ویدئویی از ترودو منتشر شد که به نظر می‌رسید یکی از ابروهایش حین صحبت افتاده است. این تنها یک خطای دید ناشی از نورپردازی بود اما کاربران شبکه‌های اجتماعی آن را جدی گرفتند و با سرعت شروع به شوخی کردند. ظرف ساعات کوتاهی، «ابروی جلیی ترودو» تبدیل به بحث داغ توییت شد؛ عده‌ای او را متهم کردند که ابروی مصنوعی می‌گذارد و حتی یک حساب کاربری با نام «بروهای ترودو» ساخته شد که به توییت‌های طنز می‌پرداخت. هر چند حقیقت ماجرا با انتشار عکس‌های باکیفیت مشخص شد و همه دیدند که ابروی نخست‌وزیر سر جایش است و اشتباه از نور استودیو بوده اما تا مدت‌ها هر گاه نام ترودو می‌آمد عده‌ای با اشاره‌ای شوخ‌طبعانه به ابروهایش لیخند می‌زدند. جالب آنکه خود ترودو به روی خود نیاورد و این شوخی را ندید گرفت تا تب ماجرا فروکش کند.

چند سال بعد، در مناظره معاونان ریاست‌جمهوری آمریکا در اکتبر

یک عکس، هزار برداشت

آنگلا مرکل، صدراعظم وقت آلمان، بر خلاف ترامپ معمولاً با دقت و جدیت کلماتش را انتخاب می‌کرد و کمتر در ظاهر امر سوزه طنز اینترنتی می‌شد. اما او نیز از گزند دنیای میم‌ها در امان نماند. در اجلاس سران گروه ۷ در کبک کانادا (سال ۲۰۱۸)، عکسی از مرکل منتشر شد که به سرعت تاریخی شد. در این تصویر، مرکل ایستاده و با حالتی قاطع دستانش را روی میز گذاشته و مقابلش دونالد ترامپ نشسته است؛ ترامپی که دست به سینه به صدر اعظم خیره شده و چهره‌اش حاکی از مقاومت است. سایر رهبران جهان گرد آنها جمع‌اند و فضا تنش محترمانه را نشان می‌دهد. دفتر مرکل خود این عکس را در اینستاگرام منتشر کرد و نوشت «روز دوم اجلاس جی ۷: دیداری خودجوش میان جلسات». ظرف

۲۰۲۰، یک سوزه ریز دیگر به شکل باورنکردنی برسر زبان‌ها افتاد: مگسی که روی موی سفید مایک پنس (معاون ترامپ) نشست و دو دقیقه همان‌جا ماند. در حالی که پنس مشغول بحث جدی با کاملاً هریس بود، نگاه میلیون‌ها بیننده به مهمان ناخوانده‌ای خیره ماند که بی‌اعتنا به جدیت صحنه، روی سر او جولان می‌داد. شبکه‌های اجتماعی بلافاصله پر از ویدئوها و تصاویر مگس شدند و آن بخش از مناظره عملاً تحت الشعاع شوخی‌های اینترنتی قرار گرفت. جو بایدن رقیب انتخاباتی ترامپ در آن سال، فرصت را غنیمت شمرد و به سرعت کمپین خود را وارد ماجرا کرد: تیم او عکسی از بایدن در حالی که یک مگس کش در دست دارد منتشر کرد و با جمله طنز «۵ دلار بدهید تا این کمپین پرواز کند!» از حامیانش کمک مالی خواست. سپس وب‌سایت com.FlyWillVote را ثبت کردند تا اهمیت رأی‌دادن را با چاشنی طنز یادآوری کنند. حتی در کمتر از ۲۴ ساعت، ۳۵ هزار مگس کش با عبارت «حقیقت بالاتر از مگس‌هاست» را به عنوان یادگاری آن نمایش فروختند که بلافاصله تمام شد. این ابتکار عمل نشان داد که چگونه در عصر جدید، ستادهای سیاسی نیز خود به تولیدکنندگان میم تبدیل شده‌اند تا از هر اتفاق پیش‌بینی‌نشده‌ای به نفع خود بهره‌برداری کنند.

چند ساعت، این تصویر تبدیل به سوزه داغ شبکه‌های اجتماعی شد و کاربران آن را به تابلوهای نقاشی کلاسیک تشبیه کردند؛ گویی صحنه‌ای از رئالاست است که رهبران جهانی را همچون شخصیت‌های دراماتیک نشان می‌دهد. بعضی‌ها نوشتند مرکل مانند معلمی سخت‌گیر است که شاگرد بازگوش (ترامپ) را گوشه کلاس گیر انداخته است. برخی دیگر این قاب را نمادی از شکاف عمیق بین متحدها قدیمی تفسیر کردند. عکس مرکل و ترامپ، بدون حتی یک کلمه توضیح، روایتگر قدرت و اختلاف شد و صدها میم اینترنتی با مضامین مشابه بر اساس آن شکل گرفت. نکته جالب اینجاست که این بار خود سیاستمدار (مرکل) عاملانده تصویری را منتشر کرد که قابلیت تبدیل شدن به میم را داشت و روایت مورد نظرش (یعنی ایستادگی در برابر ترامپ) را تقویت می‌کرد.

وقتی نخست‌وزیر معلق ماند!

سیاستمداران بریتانیایی از دیرباز سوزه طنز ملت خود بوده‌اند اما یوریس جانسون استعداد ویژه‌ای در این زمینه دارد. جانسون با موهای ژولیده و رفتارهای خارج از چارچوب، عملاً کارپاکتوری متحرک به نظر می‌رسد و خود نیز از این شهرت گریزان نیست. یکی از به‌یادماندنی‌ترین صحنه‌هایی که از او در خاطر جهان مانده، آویزان ماندنش از یک زیپ‌لاین در سال ۲۰۱۲ است. در اوج جشن‌های المپیک لندن، شهردار وقت لندن (جانسون) تصمیم گرفت با دو پرچم کوچک بریتانیا در دست، سوار زیپ‌لاین شود و میان زمین و هوا شادی خود را نمایش دهد. غافل از آنکه وسط راه سرعتش کم شد و او در حالی که ۱۰ متر از زمین فاصله داشت، همانطور معلق ماند. مردمی که نظاره‌گر این صحنه بودند، با ناباوری و خنده عکس‌ها و ویدئوهایش را ثبت و روانه اینترنت کردند. ظرف چند دقیقه هشتگ «BorisDangling» در توییت به راه افتاد و سیل تصاویر فتوشاپ‌شده او در موقعیت‌های خنده‌دار به جریان افتاد.

تصویر جانسون که با کتوشلوار و کلاه ایمنی، دو پرچم را همچنان در دست گرفته و میان آسمان و زمین گیر کرده بود، به سرعت به نمادی طنزآمیز تبدیل شد. رسانه‌های بریتانیا و جهان با شیطنت این واقعه را پوشش دادند و کار تا جایی پیش رفت که سایت‌ها و بلاگ‌های مخصوصی فقط برای اشتراک‌گذاری میم‌های «یوریس آویزان» ساخته شد. اما شاید جالب‌تر از خود واقعه، تأثیر آن بر تصویر عمومی جانسون بود. بسیاری از سیاستمداران اگر چنین صحنه مضحکی از آنها منتشر می‌شد، احتمالاً آن را شکستی تبلیغاتی می‌دیدند؛ اما برای جانسون این اتفاق کاملاً در راستای شخصیت «دلفک‌وار اما دوست‌داشتنی»‌اش بود. او بعداً با خنده از آن روز یاد کرد و حتی منتقدانش اعتراف کردند که این اشتباه عجیب، به جای تخریب او، محبوبیتی ناخواسته برایش به ارمغان آورد.

عصر جدید

سیاست‌ورزی در آینه میم‌ها

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در جهان امروز، تصویر سیاستمدار دیگر فقط محصول جلسات خبری و کمپین‌های گرافیکی نیست. یک لحظه بی‌پرنامه، یک چهره در هم، یا حتی یک سکوت، می‌تواند نیرومند تر از هزار سخنرانی عمل کند. پرسش اساسی آن است که سیاستمداران در مواجهه با این پدیده چه واکنشی دارند؟ برخی، مانند سندرز یا جانسون، با آغوش باز پذیرای خنده‌ها هستند. برخی دیگر، مثل ترودو یا پنس، واکنش نشان نمی‌دهند تا ماجرا بخوابد. برخی هم، مثل مرکل یا بایدن، از میم‌ها به‌عنوان ابزار روایت استفاده می‌کنند. میم‌های سیاسی فقط ابزار سرگرمی نیستند. آنها آینه‌ای هستند از ذهنیت جمعی، از آنچه مردم می‌بینند، حس می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند. خندیدن به سیاستمداران، شاید جدی‌ترین شکل نقد در دنیای امروز باشد.



نرخ ارز و تعرفه‌های گمرکی همه‌علیه خریدار

● چرا موبایل در ایران گران‌تر از بازار جهانی است؟ عضو هیات رئیسه اتحادیه فروشندگان گوشی پاسخ می‌دهد

مانیا فریاد
هفت صبح

بازار موبایل در ایران یکی از بازارهای پرچالش و متأثر از سیاست‌های ارزی، تعرفه‌های وارداتی و نوسانات نرخ ارز است. اختلاف معنادار قیمت گوشی‌های هوشمند در ایران نسبت به بازار جهانی، ناشی از ترکیبی از عوامل ساختاری و سیاست‌گذاری است.

به گفته عضو هیات مدیره اتحادیه فروشندگان تلفن همراه، ۶ فاکتور مهم در فرایند قیمت‌گذاری موبایل در بازار ایران نقش دارند. اولین و شاید مهم‌ترین عامل مداخله‌گر، «نرخ ارز آزاد و ارز ترجیحی» است. با توجه به سیاست‌های ارزی کشور، محاسبه حقوق گمرکی بر مبنای ارز ترجیحی (۷۷ هزار تومان) صورت می‌گیرد اما قیمت فروش کالا بر مبنای نرخ ارز آزاد (۱۰۲ هزار تومان - در زمان تنظیم این گزارش) تعیین می‌شود. این اختلاف منجر به سود مضاعف برای واردکنندگان شده و قیمت نهایی برای مصرف‌کننده را افزایش می‌دهد.

فاکتور اثرگذار دیگر، «تعرفه‌های گمرکی و مالیات بر ارزش افزوده» است. براساس توضیحات محمد یونسسی، واردات گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار شامل تعرفه ۲۱ درصد و گوشی‌های زیر ۶۰۰ دلار شامل تعرفه ۱۴ درصد می‌شود. این هزینه‌ها مستقیماً بر قیمت تمام‌شده تأثیر گذاشته و باعث فاصله گرفتن قیمت بازار ایران از قیمت جهانی می‌شود. «هزینه‌های جانبی واردات» شامل هزینه‌های حمل و نقل، بیمه، انبارداری، خدمات بندری و کارمزد‌های بانکی نیز به قیمت گوشی‌های تلفن همراه وارداتی اضافه

می‌شود. «محدودیت‌های تجاری و ریسک‌های اقتصادی» به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری، تأمین کالا با ریسک‌های بالاتری همراه است که این ریسک‌ها نیز به قیمت نهایی کالا منتقل می‌شود.

عضو هیات رئیسه اتحادیه فروشندگان موبایل تهران همچنین معتقد است که «سود واردکنندگان و فروشندگان» از دیگر عوامل مداخله‌گر است که عدم نظارت کافی بر قیمت‌گذاری باعث شده تا سودهای غیرمنطقی در برخی موارد مشاهده شود. این سود اضافه باعث بالاتر رفتن قیمت مصرف‌کننده می‌شود. «عدم شفافیت در فرایند واردات و فروش» نیز از دیگر فاکتورهای اثرگذار بر قیمت گوشی است. چراکه در بسیاری از موارد، گوشی‌هایی که با ارز ترجیحی وارد شده‌اند با نرخ ارز آزاد به فروش می‌رسند که منجر به سودجویی‌های غیرمنصفانه می‌شود.

بررسی اختلاف قیمت گوشی‌های موبایل در بازار ایران و بازار جهانی نشان می‌دهد، عوامل ساختاری و سیاست‌های ارزی مهم‌ترین دلایل این اختلاف هستند. بر همین اساس، اصلاح ساختار واردات، شفافیت بیشتر در قیمت‌گذاری و تعدیل تعرفه‌های گمرکی می‌تواند به نزدیک‌تر شدن قیمت‌ها به استاندارد جهانی کمک کند.

تحلیل آماری واردات موبایل

از آن سو، بررسی آمارهای گمرک نشان می‌دهد، سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۲ میلیون دستگاه گوشی همراه وارد کشور شده که در مقایسه با سال ۱۴۰۲ افت ۲۱ درصدی را نشان می‌دهد. مجموع ارزش تجاری واردات گوشی در سال ۱۴۰۲ حدود ۲

ارزش گوشی‌های وارداتی این برند کره‌ای بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده است. «شیائومی» در رتبه دوم قرار دارد و سال ۱۴۰۳، بیش از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار دستگاه از محصولات این شرکت چینی با ارزشی نزدیک به ۶۷۰ میلیون دلار وارد کشور شده است. این آمار نشان‌دهنده سهم ۳۶ درصدی شیائومی از نظر تعداد

مجموع واردات گوشی یازده ماهه سال ۱۴۰۳

برند	ارزش (میلیون دلار)	تعداد دستگاه (هزار)	سهم تعداد (درصد)	سهم ارزشی (درصد)
SAMSUNG	۱,۰۹۱	۵۰۷۵	۴۶	۴۵
OXIAOMI	۶۷۰	۴۳۷۵	۳۹	۲۸
NOKIA	۱۳	۸۴۹	۸	۱
APPLE	۴۸۱	۶۴۵	۶	۲۰
OTEL	۱	۴۰۰	۴	..
VOCAL	۱۸	۲۶۵	۲	۱
REALME	۱۷	۲۷۵	۱	۱
سایر مدل‌ها	۱۱۳	۶۶۷	۵,۹۹	۵
مجموع	۲,۴۰۳	۱۱,۱۳۸	۱۰۰	۱۰۰

صادرات پسته ایرانی در یک قدمی ممنوعیت

● اتحادیه اروپا برخی محموله‌های پسته ایرانی را به دلیل آلودگی بالای آفاتوکسین بازگرداند و به ایران برای بهبود کیفیت مهلت داد. در این شرایط، تهدید ممنوعیت صادرات پسته ایران به اروپا جدی‌تر شده است.



صادرات پسته ایران به یکی از مهم‌ترین بازارهای جهانی یعنی اتحادیه اروپا، با چالش‌های جدی روبه‌رو است. در ماه‌های اخیر، اخبار نگران‌کننده‌ای در مورد بازگشت محموله‌های پسته ایرانی به دلیل آلودگی بالای آفاتوکسین منتشر شده است. صادرات پسته ایران به اتحادیه اروپا در آستانه یک بحران جدی قرار دارد و اگر اقدامات اصلاحی به سرعت انجام نشود، تهدید به ممنوعیت کامل واردات پسته ایرانی ممکن است به واقعیت تبدیل شود.

برای حفظ این بازار مهم و اعتبار پسته ایران، همکاری جدی بین دولت، بخش خصوصی و انجمن‌های مربوطه ضروری است. در غیر این صورت، اقتصاد کشور و معیشت باغداران ایرانی آسیب‌های جدی می‌بیند.

اتحادیه اروپا در ماه مارس ۲۰۲۵، پنج محموله پسته ایرانی را به دلیل آلودگی بالای آفاتوکسین بازگرداند. این اقدام پس از هشدارهای مکرر اتحادیه اروپا در مورد استانداردهای ایمنی غذایی ایران صورت گرفت. سید محمد مهدی بورومندی، معاون وزیر جهاد کشاورزی ایران، اعلام کرد در صورت ادامه این روند، ممکن است پسته ایران ظرف دو سال آینده از بازارهای بین‌المللی حذف شود.

اتحادیه اروپا به تولیدکنندگان صادرکنندگان پسته ایران مهلت شش‌ماهه‌ای برای بهبود کیفیت و حذف آلودگی آفاتوکسین اعلام کرده است. در صورت عدم رعایت استانداردها، صادرات پسته ایران به اتحادیه اروپا ممنوع خواهد شد.

در واکنش به این وضعیت، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO) در ماه مارس ۲۰۲۵ کارگاه‌های آموزشی تخصصی در ایران برگزار کرد تا ظرفیت ذینفعان در زنجیره تأمین پسته را برای پیشگیری، شناسایی و کنترل آفاتوکسین‌ها تقویت کند.

دلایل افزایش آلودگی آفاتوکسین

در پسته ایران آفاتوکسین یک سم قارچی است که به ویژه در شرایط گرم و خشک رشد می‌کند. این سم در پسته‌ها و سایر محصولات کشاورزی به‌ویژه در صورت نبود مدیریت مناسب در فرایند برداشت و نگهداری، می‌تواند به‌طور خطرناکی تجمع یابد. یکی از دلایل اصلی افزایش آلودگی آفاتوکسین در پسته ایرانی، تغییرات اقلیمی و بحران کم‌آبی است. این تغییرات موجب شده تا پسته‌ها نارس و آسیب‌دیده شوند که باعث افزایش خطر آلودگی به آفاتوکسین می‌شود. همچنین گرما و سرمای ناهمگام نیز به محصول آسیب می‌زند و کیفیت آن را پایین می‌آورد.



می‌دانند. این مسئله هم باعث شد، قیمت گوشی‌ها در سال ۱۴۰۳ تصاعدی بالا برود و هم کاهش همیشگی قیمت موبایل که بعد از واردات گوشی اتفاق می‌افتد، دیگر تکرار نشود.

البته عضو هیات مدیره اتحادیه فروشندگان ارزش ۴۸۱ میلیون دلار رشد و در جایگاه چهارم واردات قرار دارد. «توکیا» نیز با ورود ۸۴۹ هزار دستگاه گوشی به ارزش ۱۳ میلیون دلار، سومین برند فهرست واردات سال گذشته بوده است. برندهای «و کال و ریلمی» نیز به‌ترتیب در رده‌های پنجم و ششم جای گرفته‌اند. براساس این گزارش، ۲۶۵ هزار دستگاه گوشی و کال با ارزش ۱۸ میلیون دلار و ۱۹۷ هزار دستگاه ریلمی به ارزش ۱۷ میلیون دلار در سال گذشته وارد کشور شده‌اند. این برند هر کدام ۲ درصد سهم

تعداد و یک درصد سهم ارزش بازار را در اختیار داشته‌اند. سهم سایر برندها از نظر تعداد ۶ درصد (۶۶۷ هزار دستگاه) و از نظر ارزش ۵ درصد (۱۱۳ میلیون دلار) اعلام شده است. برخی عدم تخصیص ارز برای واردات گوشی در سال گذشته را یکی از دلایل اصلی کاهش واردات و نابسامانی در بازار

مجموع واردات گوشی یازده ماهه سال ۱۴۰۳

برند	ارزش (میلیون دلار)	تعداد دستگاه (هزار)	سهم تعداد (درصد)	سهم ارزشی (درصد)
SAMSUNG	۱,۰۹۱	۵۰۷۵	۴۶	۴۵
OXIAOMI	۶۷۰	۴۳۷۵	۳۹	۲۸
NOKIA	۱۳	۸۴۹	۸	۱
APPLE	۴۸۱	۶۴۵	۶	۲۰
OTEL	۱	۴۰۰	۴	..
VOCAL	۱۸	۲۶۵	۲	۱
REALME	۱۷	۲۷۵	۱	۱
سایر مدل‌ها	۱۱۳	۶۶۷	۵,۹۹	۵
مجموع	۲,۴۰۳	۱۱,۱۳۸	۱۰۰	۱۰۰

یادداشت

چرا بازار کالایی به افت قیمت دلار واکنش نشان نداد؟

امید کاجیان
هفت صبح

در روزهای اخیر شاهد کاهش قیمت دلار بودیم اما آنچه تعجب‌برانگیز است، سکوت قیمت‌ها در دیگر بازارهاست. چرا که این افت قیمت دلار به هیچ وجه نتوانسته است تأثیری بر کاهش قیمت کالاها و خدمات بگذارد. تحلیل این وضعیت نیازمند بررسی چندین عامل در سیاست خارجی و داخلی است. افت قیمت دلار، اگرچه به‌طور روانی به جامعه امیدواری ایجاد کرده اما تأمانی که این تغییرات در سیاست‌های اقتصادی، تولید و نهادهای نظارتی تثبیت نشود، نمی‌توان انتظار داشت که مشکلات اقتصادی اساسی کشور برطرف شود. برای ایجاد تغییرات پایدار در وضعیت اقتصادی، نیازمند هماهنگی و همکاری بیشتر میان سیاست‌گذاران، فعالان بازار و نهادهای نظارتی هستیم.

افت دلار و سیاست خارجی

یکی از دلایل اصلی کاهش قیمت دلار، بهبود روند مذاکرات ایران و آمریکا است. به نظر می‌رسد این مذاکرات و تفاهم‌ها به‌طور جدی پیش می‌رود و خوش‌بینی‌هایی را در بازار ایجاد کرده است. اما این کاهش قیمت دلار همچنان با قیمت‌های گذشته قابل مقایسه نیست و نمی‌تواند به‌طور فوری در زندگی روزمره مردم تأثیر بگذارد. در این بین، مردم امید دارند که این تغییرات به کاهش تورم و بهبود معیشت آنها منجر شود اما در عمل، افت دلار با واکنش‌های چندین چشمگیری از سوی دیگر بازارها روبه‌رو نشده است.

چرا قیمت‌ها تغییر نکردند؟

سوال اساسی اینجاست که چرا کاهش قیمت دلار به کاهش قیمت کالاها منجر نشده است؟ چند عامل می‌تواند در این مسئله دخیل باشد: اولاً، عدم اطمینان از پایداری روند کاهش دلار یکی از اصلی‌ترین دلایل است. فعالان اقتصادی عادت دارند که در صورت افزایش قیمت دلار، بلافاصله قیمت کالاها را افزایش دهند اما در برابر کاهش دلار، به دلیل عدم اطمینان از پایداری این روند، ترجیح می‌دهند اقدامی نکنند. بسیاری از آنها نگران هستند که هر آن ممکن است با یک تحول سیاسی یا خبری، دلار دوباره به روند صعودی خود بازگردد. بنابراین، آنان ترجیح می‌دهند قیمت‌ها را بدون تغییر نگه دارند تا از ضرر احتمالی در آینده جلوگیری کنند.

دومین عامل مهم، موجودی انبارها و تأثیر آن بر قیمت‌گذاری است. تجار و تولیدکنندگان معمولاً کالا‌های خود را با نرخ بالاتر دلار خریداری کرده‌اند. لذا برای فروش این کالاها با قیمت‌های پایین‌تر، باید موجودی انبارهای خود را تخلیه کنند. این امر می‌تواند زمانبر باشد و تأثیرات کاهش قیمت دلار به تدریج در بازار محسوس شود.

سومین عامل، تورم ساختاری و هزینه‌های جانبی است. در کنار افت دلار، عوامل دیگری مانند افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، دستمزدها، انرژی و مواد اولیه داخلی همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند. بنابراین، حتی اگر قیمت دلار کاهش یابد، تولیدکنندگان و فروشندگان ترجیح می‌دهند که قیمت‌ها را ثابت نگه دارند تا هزینه‌های جانبی خود را پوشش دهند. به عبارت دیگر، بازار همچنان تحت تأثیر تورم ساختاری و افزایش هزینه‌ها قرار دارد.

چهارمین عامل، نبود نظارت موثر و سازوکار مناسب برای کاهش قیمت‌ها است. در غیاب یک سازوکار شفاف برای تنظیم قیمت‌ها بر اساس نرخ ارز، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان احتمالاً با مشکلاتی در قیمت‌گذاری روبه‌رو می‌شوند و نمی‌توانند به سرعت قیمت‌ها را بر اساس کاهش دلار تعدیل کنند.

نوسان‌گیری ارزی و درآمذایی از طریق بازار ارز

فرضیه دیگری که مطرح می‌شود، نوسان‌گیری ارزی است. برخی معتقدند نوسانات قیمت دلار، بیشتر از آنکه به دلیل مذاکرات یا عوامل اقتصادی واقعی باشد، نتیجه تلاش‌هایی است که با هدف جبران کسری بودجه و درآمذایی برای دولت از طریق خرید و فروش دلار ایجاد می‌شود. در این فرایند، افزایش و سپس کاهش ناگهانی قیمت دلار، به عنوان ابزاری برای کسب سود توسط برخی از بازیگران اقتصادی و مسئولان دولتی به کار گرفته می‌شود. این نوسانات ممکن است به دلیل منافع کوتاه‌مدت ناشی از خرید و فروش ارز، بر قیمت کالاها و خدمات تأثیر نگذارد و به بهبود وضعیت معیشتی مردم کمکی نکند.

چرا امید مردم بی‌پاسخ ماند؟

مردم پس از سال‌ها مواجهه با تورم و مشکلات اقتصادی، حالا که شاهد کاهش قیمت دلار هستند، امیدوارند که این تغییرات به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی‌شان منجر شود. اما واقعیت این است که در کوتاه‌مدت، این تغییرات نتوانسته‌اند تحولی در زندگی روزمره ایجاد کنند. مهم‌ترین مشکل این است تا زمانی که سیاست‌های اقتصادی داخلی، از جمله اصلاحات در بخش تولید، هزینه‌ها و زیرساخت‌ها، به درستی اجرایی نشود، حتی کاهش قیمت دلار نمی‌تواند در رفع مشکلات اقتصادی موثر باشد.

ضرورت بهبود در سیاست داخلی

در نهایت، باید اشاره کرد اگرچه بهبود روابط خارجی و مذاکرات می‌تواند به وضعیت اقتصادی کمک کند، اما این به تنهایی کافی نخواهد بود. مسائل داخلی، نظیر اصلاحات در بخش تولید، نظارت موثر بر بازار و تغییرات در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، باید همزمان با تغییرات در سیاست خارجی دنبال شوند. در غیر این صورت، حتی کاهش قیمت دلار یا تورم، نمی‌تواند به بهبود شرایط معیشتی مردم کمک کند.

طنز

برق وزیر نیرو پرید

مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

صبح دوشنبه اول اردیبهشت، در حالی که پژوهشگاه نیرو مریزان جشنواره شهید رجایی بود، لامپ‌های سالن که از پایداری مدیران سالخورده در خدمت به مردم و صنعت برق خسته شده بودند، تصمیم گرفتند خیلی محترمانه خوششان را بازنشسته کنند؛ آن هم در دست زمانی که وزیر نیرو و کلی مقام و مسئول خوش‌لباس و رسمی، روی صندلی‌ها نشست و منتظر آغاز مراسم بودند. نه نورافکن‌ها دل‌شان با آقای وزیر بود، نه فیوزها طاقت آوردند.

برق که رفت، تاریکی آمد. اما نه از آن تاریکی‌هایی که شاعرانه است و می‌توانی وسطش شعر بگویی یا ستاره‌ها را تماشا کنی. این یکی، از آن تاریکی‌های ناگهانی و بی‌رحم بود که فقط می‌شود با نور موبایل با آن کنار آمد. و همین‌طور هم شد، سالن پر شد از چراغ‌قوه‌های گوشی، شبیه کنسرتی از جنس انرژی‌های نو، البته بدون موسیقی و شادی. وزیر نیرو هم که طبیعتاً انتظار نداشت وسط پژوهشگاهی که اسمش با «نیرو» گره خورده، برق برود، از جایش بلند شد و رفت دنبال علت ماجرا. تماس گرفت، پیگیری کرد، با توزیع برق تهران صحبت کرد، جواب گرفت که از ما نیست، از خودتان است! و بله، معلوم شد ماجرا زیر سر فیوزی بوده که طاقت حرارت لامپ‌های سالخورده سالن را نداشته و قهر کرده.

راستش را بخواهیم، فیوز هم حق داشت. آدم که چه عرض کنم، فیوز بینوا هم ظرفیتی دارد. وقتی ده‌ها لامپ پر مصرف و پیر در یک سالن جمع می‌شوند و به جای بازنشستگی، همچنان نور از خودشون در می‌کنند، بالاخره به‌جایی باید یکی بگوید «سبیه دیگه» و آن هم کسی نبود جز همین فیوز دل‌ناز که شایدهد ریسیده که بنده‌یریم تکنولوژی نور هم پیشرفت کرده و پژوهشگاهی که قرار بود ویرتین دانش فنی کشور باشد، باید خودش اول از همه دست به کار بشود؛ لامپ‌های LED، نسل جدید بخرد و فیوزهای هوشمند نصب کند، و گرنه بعید نیست بار دیگر وسط مراسم بعدی، حتی موتور آسانسور هم قهر کند!

وقتی یک بازی کوچک می‌تواند دروازه‌ای به دنیای بزرگ خیال شود

Monument Valley

جادوی لمس رویا

تحلیل رازهای موفقیت سه‌گانه‌ای که موبایل را به بوم نقاشی و موسیقی بدل کرد

گاهی یک بازی موبایل می‌تواند فراتر از سرگرمی برود؛ می‌تواند شعر باشد، یک تابلوی نقاشی متحرک یا حتی پلی میان خیال و واقعیت. یکی از بهترین نمونه‌های این جادو، بی‌تردید مجموعه Monument Valley است. ساخته هنرمندانه استودیو ustwo games، دره یادبود ما را با شاهزاده‌ای خاموش، سازه‌هایی ناممکن و رنگ‌هایی زنده به دنیایی می‌برد که قوانین فیزیک و منطق در آن بی‌معنا می‌شود. در این سفر می‌خواهیم نگاهی داشته باشیم به این سه‌گانه رؤیایی، از نقطه شروع با نسخه اول، تا بلوغ در نسخه دوم و دغدغه‌های اجتماعی نسخه سوم. آماده سفر هستید؟

ملک میرمهدی
 هفت صبح

Monument Valley 1

آغاز یک رویا

سال انتشار: ۲۰۱۴

پلتفرم‌ها: iOS، Android، Windows Phone، PC (Panoramic Edition)

وقتی در سال ۲۰۱۴ اولین نسخه Monument Valley منتشر شد، کمتر کسی فکر می‌کرد یک بازی موبایلی بتواند چنین جریانی ایجاد کند. گیم‌پلی بازی ساده است: شما شاهزاده ایدا را در مسیرهای پیچیده و معمایی هدایت می‌کنید، راه‌هایی که با چرخاندن بخش‌های معماری و بازی با خطای دید ساخته شده‌اند. سازه‌های بازی آشکارا از آثار موریس آشِر الهام گرفته‌اند: دنیایی از پله‌هایی که به ناکجا ختم می‌شوند، مسیرهایی که تنها از یک زاویه ممکن به نظر می‌آیند.

نقاط قوت Monument Valley 1:

طراحی بصری چشم‌نواز: هر مَر حله مثل یک تابلوی نقاشی ست. موسیقی متن آرامش‌بخش: اثر استافورد بالر و گروهش، تجربه شنیداری فوق‌العاده‌ای خلق کرده. تعادل در معمّاها: نه خیلی سخت، نه خیلی ساده؛ درست به اندازه یک مدیتیشن کوتاه.

نقاط ضعف Monument Valley 1:

کوتاهی بازی: با حدود یک ساعت و نیم بازی به پایان می‌رسد. داستان مبهم: روایت بازی بسیار نمادین است و بعضی بازیکنان را سردرگم می‌کند. با این حال، ترکیب این عوامل باعث شد Monument Valley به سرعت به عنوان نمونه‌ای از «بازی به عنوان هنر» شناخته شود، جوایز متعددی برده و بیش از ۲۶ میلیون نسخه بفروشد. استودیو با انتشار دو بسته الحاقی، Forgotten Shores و Ida’s (RED) Dream، عمر بازی را کمی طولانی‌تر کرد و جنبه‌های بیشتری از دنیای ایدا را به نمایش گذاشت.

▼
 موسیقی در Monument Valley نه فقط همراهی برای بازی، بلکه نفس کشیدن آرام جهان خیال است؛ نچو‌هایی در گوشه‌ی ذهن.

هر مَر حله در Monument Valley همانند یک معبد فراموش شده است؛ سرشار از رمز و راز، سکوت و نور.

Monument Valley 3

صدایی برای جهان

سال انتشار: ۲۰۲۴

پلتفرم‌ها: iOS، Android (فقط از طریق Netflix)

در نسخه سوم، ustwo games یک کام‌جسورانه برداشت. این بار Monument Valley 3 فراتر از زیبایی و احساس رفته و دست به

تأثیر Monument Valley بر فرهنگ عامه

موفقیت Monument Valley محدود به دنیای بازی‌های موبایلی نماند. این اثر هنری راه خود را به فرهنگ عامه هم باز کرد و نشانه‌هايش در جاهای مختلف به چشم آمد. یکی از معروف‌ترین حضورهای Monument Valley در فصل سوم سریال House of Cards بود؛ جایی که شخصیت فرانک آندروود، رئیس‌جمهور آمریکا، این بازی را روی آبیّد بازی می‌کند. توصیف لطیف و شاعرانه نویسنده‌ای که در سریال دربار بازی می‌کند، باعث شد این حضور چیزی فراتر از یک تبلیغ ساده به نظر برسد: Monument Valley به عنوان نماینده بازی‌هایی

نگاهی به آینده: آیا Monument Valley 4 ساخته می‌شود؟

با انتشار Monument Valley 3، استقبال گرم مخاطبان، یک سؤال بزرگ در ذهن طرفداران نقش بست: آیا Monument Valley 4 ساخته خواهد شد؟ استودیو ustwo games هنوز رسماً چیزی اعلام نکرده اما شواهد نشان می‌دهد تیم سازنده علاقه‌مند به ادامه این جهان شاعرانه است. با توجه به استقبال فوق‌العاده از سه‌گانه فعلی و همچنین استراتژی تبلیغیس برای توسعه بازی‌های موبایلی بیشتر، احتمال ساخت نسخه چهارم بسیار بالاست. اما اگر Monument Valley 4 ساخته شود، انتظار

خبر بازی

بازگشت جنگ ستارگان با داستانی تازه و تیردهای تاکتیکی

فرماندهی کن، یجنگ و نجات بده

در این بازی، انتخاب‌های بازیکن سر نوشت

داستان را تغییر می‌دهند



علاقه‌مندان به دنیای پرهیجان جنگ ستارگان بـار دیگر آماده سفری نفسگیر به اعماق کهکشان باشند. در جریان جشن بزرگ جنگ ستارگان، استودیو Bit Reactor از تازه‌ترین اثر خود با نام Star Wars: Zero Company به صورت رسمی رونمایی کرد. این بازی تاکتیکی جدید قرار است در سال ۲۰۲۶ برای پلتفرم‌های PC، پلی‌استیشن ۵ و ایکس‌باکس سری X|S عرضه شود و وعده تجربه‌ای متفاوت از نبردهای کهکشانی را به مخاطبان می‌دهد. شرکت صفر داستان خود را در واپسین روزهای جنگ‌های کلون روایت می‌کند؛ جایی که بازیکنان در نقش هاکس، افسر پیشین جمهوری، قرار می‌گیرند و باید هدایت یک جوخه ویژه را برای مقابله با تهدیدی مرموز و رو به گسترش بر عهده بگیرند. این بازی به صورت تک‌نفره و با سبک تاکتیکی نوبتی طراحی شده است و یکی از ویژگی‌های متمایز آن، تأکید ویژه بر انتخاب‌های بازیکن و تأثیر مستقیم این تصمیم‌ها بر روند داستان خواهد بود.

در Zero Company، بازیکنان با انجام مأموریت‌های تاکتیکی متنوع در گوشه و کنار کهکشان، به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازند و در عین حال پایگاهی عملیاتی می‌سازند که در طول بازی توسعه می‌یابد. مجموعه‌ای از شخصیت‌های کاملاً جدید از دنیای جنگ ستارگان، با گونه‌ها و کلاس‌های مختلف، این جوخه نخبه را تشکیل می‌دهند و بازیکنان می‌توانند ترکیب تیم خود را بر اساس سبک بازی دلخواه‌شان شخصی‌سازی کنند. شخصیت اصلی بازی، هاکس نیز از نظر ظاهر و کلاس شخصیتی قابل تغییر خواهد بود، تا تجربه‌ای منحصر به فرد برای هر بازیکن رقم بخورد. این پروژه بزرگ حاصل همکاری تیمی از کهنسه‌کاران بازی‌های استراتژیک در Bit Reactor، با حمایت Lucasfilm Games و Respawn Entertainment است و انتشار آن توسط غول دنیای بازی‌سازی یعنی Electronic Arts صورت خواهد گرفت. پس از مدت‌ها شایعه و انتظار، اکنون نخستین تصاویر رسمی از این عنوان منتشر شده و عطش هواداران برای بازگشتی حماسی به دنیای جنگ ستارگان را دوچندان کرده است.

آیا شما آماده‌اید تا دوباره در دل نبردهای کهکشانی، سرنوشت آینده کهکشان را به دستان خود بسپارید؟

سرما‌ی فر است پانک دوباره بر می‌خیزد
نسخه سوم شاید زودتر از ۲۰۲۷ از راه برسد



استودیو ۱۱ bit با اعلام خبری خوشحال‌کننده، هواداران خود را به وجد آورد: پروژه جدیدی از دنیای یخ‌زده Frostpunk در دست ساخت است و اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود، ممکن است این بازی تا سال ۲۰۲۷ به دست بازیکنان برسد.

هر چند هنوز نام رسمی این دنباله مشخص نیست اما امیدها برای بازگشت به فضای سرد و نفسگیر Frostpunk حسابی داغ شده است. ۱۱ bit همچنین خبر از توسعه یک بازی بزرگ‌تر و جاه‌طلبانه‌تر داده که برای ۲۰۲۹ برنامه‌ریزی شده و می‌تواند دنیای این استودیو را وارد مَر حله تازه‌ای کند.

سال ۲۰۲۴ برای ۱۱ bit سالی پر از فراز و نشیب بود؛ فروش بی‌سابقه Frostpunk ۲ و آثار کلاسیکی چون This War of Mine نقطه اوج این سال بود اما لغو پروژه Project ۸ و استقبال متوسط از برخی عناوین، چالش‌هایی جدی برای آنها به همراه داشت. با این حال، ۱۱ bit یکبار نشسته است. در کنار پروژه جدید Frostpunk، طرفداران می‌توانند منتظر دنباله دوست‌داشتنی Moonlighter ۲، بازی جهان‌باز Death Howl و تجربه علمی-تخیلی The Alters باشند. گرچه هنوز راهی طولانی تا Frostpunk بعدی در پیش است اما یک چیز روشن است: سرما‌ی جهان Frostpunk هنوز دل‌های بسیاری را گرم می‌کند.

Mandragora: یک افسانه جدید در تاریکی

دنیای بازی‌های فانتزی حالا یک جواهر تازه دارد. Mandragora، اکشن نقش‌آفرینی پرمزوراز شکار جادوگران، به‌تازگی منتشر شده و از همان لحظه‌های اول، دل بسیاری از بازی‌ازان را برده است. ساخته استودیو Primal Game Studio، با قلم جادویی برایان میتسودا (نویسنده Vampire: The Masquerade – Bloodlines)، موفق شده ترکیبی از داستان‌گویی قدرتمند و گیم‌پلی نفسگیر را در بستری از تاریکی و رمزآلودگی به تصویر بکشد.

داستانی که بازی را نفس می‌بخشد

آتچه Mandragora را از بسیاری از آثار هم‌سبک متمایز می‌کند، تمرکز جدی بر روایت است. حتی اتفاقات کوچک در این بازی باعث جان گرفتن جهان آن می‌شود. با تخمین بیش از ۴۰ ساعت گیم‌پلی پر از ماجراجویی، مبارزه و انتخاب‌های اخلاقی، Mandragora آمده تا نشان دهد در دل این دنیای تاریک هنوز امید، زیبایی و شور زندگی وجود دارد.



Monument Valley 2

بلوغ داستانی و احساسی

سال انتشار: ۲۰۱۷

پلتفرم‌ها: iOS، Android، PC

در سال ۲۰۱۷ Monument Valley 2 آمد تا موفقیت نسخه اول را تکرار کند؛ اما این‌بار با چاشنی بیشتری از احساسات انسانی.

داستان این قسمت از مادر و دختری به نام‌های رو و فرزندش می‌گوید. شما باید هر دو را از میان دنیای معمایی عبور دهید، گاهی آنها را جدا کنید و گاهی کنار هم بیاورید. این همراهی مادر و کودک، تجربه‌ای بسیار گرم‌تر و انسانی‌تر به بازی اضافه کرده.

نقاط قوت Monument Valley 2:

روایت احساسی‌تر: داستان بلوغ و استقلال با زبانی ساده و تصاویری بی‌کلام روایت می‌شود. نوآوری در معمّاها: مکانیک‌هایی چون تعامل دو شخصیت، کار را تازه‌تر کرده‌اند.

تنوع بصری: استفاده گسترده‌تر از رنگ‌ها و معماری‌های مختلف.

نقاط ضعف Monument Valley 2:

شباهت زیاد به نسخه اول: برخی منتقدان گفتند تغییرات کافی برای یک دنباله کامل وجود نداشت. مدت زمان کوتاه‌تر از حد انتظار: گرچه کمی طولانی‌تر از نسخه اول است، باز هم طرف چند ساعت می‌توان آن را تمام کرد. با این حال، Monument Valley 2 موفق شد روح زیبای قسمت اول را حفظ کند و داستانی شخصی‌تر برای بازیکن بسازد.

▼
 وقتی یک بازی موبایلی، فراتر از سرگرمی می‌رود و به تجربه‌ای هنری، شاعرانه و عمیق بدل می‌شود.

از یک لمس ساده تا باز شدن دروازه‌هایی به جهانی که با هر چرخش، معمایی تازه برای تخیل می‌سازد.

پیام اجتماعی قدرتمند: حمایت از برنام‌های مقابله با سیلاب‌ها و تغییرات اقلیمی.

طراحی هنری جهانی‌تر: الهام از معماری‌های آفریقایی، آسیایی و اروپایی.

نقاط ضعف Monument Valley 3:

عرضه محدود: فقط از طریق اشتراک Netflix قابل دسترسی است. اما چیزی که Monument Valley 3 را از دو نسخه قبلی جدا می‌کند، نیت خیرخواهانه پشت آن است؛ بازی‌ای که هم سرگرم می‌کند و هم می‌خواهد توجه‌ما را به دنیای واقعی جلب کند.

زیبایی بدون نقص نیست

با تمام ستایش‌هایی که به حق نصیب Monument Valley شده، بی‌انصافی است اگر از نقاط ضعف و نقدهای آن چشم‌پوشی کنیم. هر سه نسخه، در کنار ویژگی‌های درخشان‌شان، ایراداتی هم دارند که توسط کاربران و منتقدان حرفه‌ای مطرح شده‌اند.

۱. کوتاهی بیش از حد

یکی از رایج‌ترین نقدها، کوتاه بودن زمان بازی است. در نسخه اول و دوم، بسیاری از بازیکنان توانستند بازی را در کمتر از دو ساعت به پایان برسانند. این مدت زمان اندک باعث شده برخی کاربران احساس کنند که ارزش پول پرداختی‌شان، خصوصاً نسبت به بازی‌های موبایل رایج‌تر، کمتر است.

۲. دشواری کم

Monument Valley در ذات خود یک تجربه آرام و مدیتاتیو است اما برای کسانی که به دنبال چالش‌های سخت معمایی هستند، ممکن است بیش از حد ساده باشد. معماها معمولاً به راحتی قابل کشف‌اند و بازیکن به ندرت مجبور می‌شود روی حل آن‌ها عمیق فکر کند.

۳. روایت مبهم و گاه ناملموس

گرچه بسیاری شیفته روایت نمادین و شاعرانه بازی شدند اما عده‌ای نیز داستان‌های Monument Valley را بیش از حد مبهم دانسته‌اند. برخی کاربران می‌گویند بازی می‌توانست با داستانی واضح‌تر یا عمق بیشتری در روایت شخصیت‌ها، تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

۴. شباهت زیاد نسخه‌ها به هم

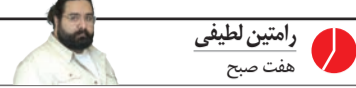
در نسخه دوم و حتی تا حدی در نسخه سوم، برخی نقدها به شباهت بیش از حد با نسخه اولیه اشاره داشتند. نوآوری‌های کوچک مانند اضافه شدن کاراکتر دوم یا گشت‌وگذار با قایق تحسین شدند اما عده‌ای معتقد بودند که این تغییرات کافی نیست و باید تحولی ریشه‌ای‌تر در گیم‌پلی یا طراحی مراحل ایجاد می‌شد.

۵. محدودیت در عرضه Monument Valley 3

یکی دیگر از نقاط ضعف قابل ذکر، محدود شدن دسترسی به نسخه سوم فقط از طریق اشتراک Netflix است. این تصمیم باعث شد بسیاری از علاقه‌مندان نتوانند به راحتی به بازی دسترسی داشته باشند و تجربه پیوسته‌ای از سه‌گانه داشته باشند.

پاپ فقرا: پیشگام اولین ها و قهرمان حاشیه نشین ها

رهر کاتولیک‌های جهان پس از تحمل یک دوره بیماری، روز گذشته در ۸۸ سالگی از دنیا رفت



رامین لطفی

هفت صبح

پاپ فرانسیس، با قلب بزرگ و روحی فروتن، در ۸۸ سالگی و پس از تحمل ۳۸ روز ذات‌الریه شدید در گذشت. او که به «پاپ فقرا» شهره بود، با اولین‌های تاریخی، اصلاحات جسورانه و شوخ‌طبعی بی‌نظیرش، کلیسای کاتولیک را به سوی آینده‌ای بازتر هدایت کرد. این روایت، داستان مردی است که از خیابان‌های بوئنوس آیرس به قلب واتیکان رسید و بسا کارهای ساختار شکنانه‌اش، جهان را شگفت‌زده کرد.

رقص تانگو در بوئنوس آیرس: جوانی پرشور خورخه

خورخه ماریو بر گولیو، متولد ۱۷ دسامبر ۱۹۳۶، در محله‌ای شلوغ در بوئنوس آیرس، پسر یک مرد کارگر راه‌آهن ایتالیایی و یک زن خانه‌دار بود. در میان چهار خواهر و برادر، خورخه جوانی پرشوری داشت. او عاشق رقص تانگو بود و شب‌ها با دختری که قلبش را ربوده بود، در کافه‌های محلی می‌رقصید. اما زندگی همیشه مهربان نبود؛ در نوجوانی، عفونتی شدید او را به بیمارستان کشاند و یکی از ریه‌هایش را از دست داد.
باین حال، روحیه‌اش نشکست. خورخه ابتدا شیمی خواند و مدرک کارشناسی ارشد گرفت اما روزگار او را به مسیرهای عجیبی برد. او نخبهان کافه‌ای در بوئنوس آیرس بود، جایی که با مشتریان سرکش سر و کله می‌زد و حتی مدتی رفتگری کرد. این تجربه‌ها او را به مردی خاکی تبدیل کرد که بعدها به‌عنوان اسقف اعظم بوئنوس آیرس، از ماشین‌های لوکس و خدمتکارها دوری می‌کرد، خودش آشپزی می‌کرد، بسا اتوبوس به کلیسا می‌رفت و حتی یک‌بار در اقتصاد ضعیف آرژانتین، با دو چرخه به ملاقات کشیش‌ها رفت.
وقتی در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان پاپ انتخاب شد، با پرواز اکونومی به رم سفر کرد و چمدانش را خودش حمل کرد، گویی هنوز همان خورخه ساده بوئنوس آیرس است.



ینگه دنیا

سیگنال گیت ۲: رسوایی جدید دولت ترامپ

پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، بار دیگر با افشای اطلاعات حساس حمله هوایی به یمن در گروهی خصوصی و خانوادگی، جنجال‌ساز شد

رسوایی «سیگنال گیت» با افشاگری جدید، وارد فاز دوم شد. پیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده، در گروه ۱۳ نفره‌ای در اپلیکشن سیگنال به نام «مجمع تیم دفاعی»، جزئیات حمله هوایی مارس به حوثی‌های یمن را با خانواده و نزدیکانش از جمله همسرش جنیفر، برادرش فیل (مشاور ارشد پنتاگون) و وکیلش تیم پارلاتوره با اشتراک گذاشته است. به گزارش نیویورک‌تایمز و سی‌ان‌ان، هگست اطلاعاتی نظیر برنامه پرواز جنگنده‌های اف-۱۸ (F/A-۱۸) در روز ۱۵ مارس را با جزئیات در این‌گروه فاش کرده است. این دومین مورد افشای اطلاعات نظامی توسط هگست است؛ پیش‌تر او به عمد و از روی سهل‌انگاری یا به قول خودش به اشتباه جزئیات مشابهی را در گروه دیگری با حضور مقامات ارشد و یک روزنامه‌نگار مجله اتلانتیک به اشتراک گذاشته بود. آن گروه توسط مایک والترز، مشاور امنیت ملی، ایجاد شده و شامل معاون رئیس‌جمهور، جی‌دی ونس، بود. مجله اتلانتیک با انتشار محتوای گفت‌وگوها، از افشای جزئیات تسلیحات و زمان‌بندی حملات خبر داد. هگست مدعی است هیچ اطلاعات طبقه‌بندی‌شده‌ای به اشتراک نگذاشته اما منتقدان این ادعا را رد می‌کنند. استفاده از سیگنال، اپلیکشنی تجاری و ناامن برای تبادل اطلاعات دفاعی، خشم دموکرات‌ها را برانگیخته است. چاک شومر، سناتور دموکرات، این رسوایی را نشانه ضعف دولت ترامپ دانسته و خواستار برکناری هگست

شد. در مقابل، کاخ سفید گزارش‌ها درباره این خبر را «بی‌اهمیت» خواند و آنها را به کارمندان

اخراجی ناراضی پنتاگون نسبش داد. آنا کلی، معاون سخنگوی کاخ سفید، گفت: «رسانه‌ها نمی‌توانند با تکرار این داستان، حقیقت را تغییر دهند.» یازرس کل پنتاگون اکنون در حال بررسی استفاده هگست و دیگر مقامات از سیگنال است. این رسوایی با اخراج یا استعفاي چهار نفر از نزدیکان هگست، از جمله رئیس دفتر و معاون او، در هفته‌های اخیر تشدید شده است. جان اولیوت، سخنگوی سابق هگست، در پولیتیکو نوشت: «پنتاگون تحت رهبری هگست در هرج‌ومرج است و این آشوب، حواس پرتی بزرگی برای رئیس‌جمهور ایجاد کرده.» اولیوت و مسه مقام دیگر اخراج‌شده، اتهامات علیه خود را «بی‌اساس» خواندند و از فقدان شفافیت در تحقیقات گلایه کردند. «سیگنال گیت ۲» نه‌تنها اعتبار هگست را خدشه‌دار کرد، بلکه امنیت اطلاعات در دولت دوم دونالد ترامپ را نیز زیر سؤال برده است. با ادامه تحقیقات و افزایش فشارهای سیاسی، آینده هگست در پنتاگون در ابهام فرو رفته است. این رسوایی نشان‌دهنده شکاف‌های عمیق در مدیریت دفاعی آمریکا و چالش‌های پیش روی دولت در حفظ اعتماد عمومی است. همین حالا، مخالفان هگست، به‌ویژه دموکرات‌ها، این رسوایی را نشانه بی‌کفایتی او و تهدیدی برای امنیت ملی می‌دانند. علاوه بر سناتور چاک شومر، سناتور الیزابت وارن نیز هگست را برای پست



چهارگوشه دنیا

روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۴۰۳۳ | سه شنبه | ۳ اردیبهشت | ۱۴۰۴

اولین‌های تاریخ‌ساز: پاپی که سنت‌ها را شکست

در مارس ۲۰۱۳، وقتی دود سفید از دودکش کلیسای سیستین برخاست، جهان با خورخه بر گولیو، یا همان پاپ فرانسیس، آشنا شد. او اولین پاپ لاتین‌تبار، اولین یسوعی و اولین رهبر کاتولیک‌های جهان بود که نام فرانسیس را بر گزید، به احترام سنت فرانسیس آسیزی، قدیس فقرا. او همچنین اولین پاپ غیراروپایی از قرن هشتم بود که پس از استعفای پاپ بندیکت شانزدهم در ۶۰۰ سال گذشته انتخاب شد. فرانسیس از همان ابتدا سنت‌ها را به چالش کشید. او آبار تمان‌های مجلل مخصوص پاپ را رد کرد و در اقامتگاه ساده سالتا مار تا، کنار کارمندان واتیکان، ساکن شد. حتی برای دفن، باسلیکای سانتا مارا یا ماجوره را به جای واتیکان انتخاب کرد و خواستار مراسمی ساده شد، گویی می‌خواست حتی پس از مرگ، پیام‌سازگی‌اش را فریادزند. او اولین پاپی بود که سخنرانی تد (TED) ارائه کرد و با زبانی امروزی، از امید و همبستگی گفت. وقتی کاردینال‌ها در کنکلاو به او تبریک گفتند، با طنزی شیرین پاسخ داد: «امیدوارم خدا شما را ببخشد که من را انتخاب کردید!»

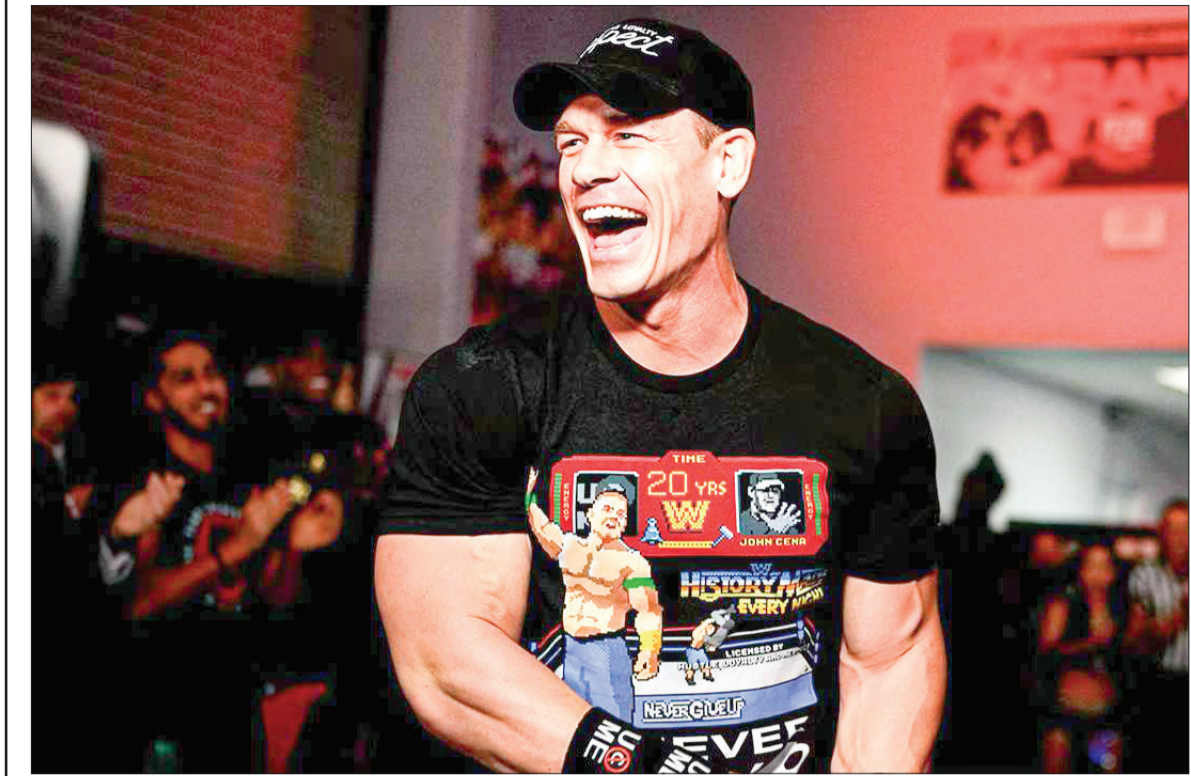
ساختار شکنی‌های جسورانه: کلیسایی برای حاشیه‌نشینان

فرانسیس کلیسا را به «بیمارستان صحرایی برای شکسته‌دلان» تشبیه و با اصلاحاتش، این رویا را به واقعیت نزدیک کرد. او در سال ۲۰۱۵ با دایره‌نامه «لاداتو سی» (ستايش باد)، بحران اقلیمی را یک مسئله اخلاقی خواند. در این سند، او از «تحول اکولوژیک قلب» سخن گفت و استدلال کرد که بدون تغییر درونی، قوانین محیط‌زبستی کافی نیستند. این پیام، کاتولیک‌ها و رهبران مذهبی را به حفاظت از زمین ترغیب کرد. فرانسیس در روابط بین‌ادیانی نیز پیشگام بود. در سال ۲۰۱۹، با شیخ احمد الطیب، امام اعظم الازهر، «سند برادری انسانی» را امضا کرد، گامی تاریخی برای صلح بین کاتولیک‌ها و مسلمانان. او در سال ۲۰۲۱

میراث جنجالی: کلیسایی جهانی اما پر تنش
فرانسیس با انتصاب ۱۱۰ کاردینال از ۱۳۸ کاردینال رای‌دهنده، از آسیا، آفریقا و دیگر مناطق کمتر نمایندگی‌شده، کلیسا را به سوی جنوب جهانی برد. این «جهانی‌سازی» کاتولیسیم، شاید ماندگارترین میراث او باشد، زیرا کلیسا را با رشد جمعیتی‌اش در آفریقا و آسیا همسو کرد. اما او کلیسایی تقسیم‌شده به جا گذاشت. محافظه‌کاران، به‌ویژه در آمریکا، او را به خاطر نقد سرمایه‌داری و سیاست‌های مهاجرتی محکوم کردند. او در نامه‌ای علنی، سیاست‌های مهاجرتی دولت ترامپ و جی‌دی ونس را «نگت» خواند. اما فرانسیس با وجود تنش‌ها، راه گفت‌وگو و عشق به مسیح را نشان داد. او کلیسا را از اروپا جدا کرد و به حاشیه‌نشینان جهان هویت بخشید. اما آیا جانشین او این مسیر را ادامه خواهد داد یا کلیسا به سنت‌های قدیمی بازمی‌گردد؟

چهارگوشه دنیا

روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۴۰۳۳ | سه شنبه | ۳ اردیبهشت | ۱۴۰۴



جان سینا، اسطوره کشتی حرفه‌ای، با پیروزی در رخشان مقابل کودی روزد در شب دوم مسابقات رسل‌مانیا، برای هفدهمین بار عنوان قهرمانی جهان دبلیودبلیوای (WWE) را از آن خود کرد و رکورد افسانه‌ای ریک فلیر با ۱۶ قهرمانی را پشت سر گذاشت. جالب است بدانید، همسر جان سینا، شای شریعت‌زاده، ایرانی است و او به واسطه این ازدواج، عاشق فرهنگ ایرانی شده و بارها از غذاهای ایرانی مثل ته‌چین، کباب کوبیده و رشته‌پلو به عنوان غذاهای مورد علاقه‌اش نام برده و در صفحات مجازی‌اش نوشته است: «نمی‌توانید در برابر غذای ایرانی مقاومت کنید!»

عکس روز

سیمای نور در شب‌های ظلمانی غزه

نوزاد گمشده، قلب‌های دو خانواده را به هم پیوند داد



در آغوش کشیدم اما حمود به سوی رسم دودید و «بابا» گفت، رسم، با بغضی که گلوگیرش شده بود، او را به آغوش گرفت. فواکه، با اشک‌هایی که گونه‌هایش را خیس کرده بود، می‌گوید «خانهمان بی او عزاخانه شد. دخترانم یک هفته اشک ریختند.» اما جدایی، پایان نبود. محمد، حالا پلی است میان دو خانواده. او فواکه را که ویدئویی از مصاحبه رسم را دید، چهره محمد که در آغوش رسم بود، مثل ستاره‌ای در تاریکی درخشید. «فریاد زدم، محمد زنده است!» قلبش از شوق می‌تپید. بسا عجله، همراه برادر و فرزندانش، به خانه نبحان‌ها دوید. لحظه دیدار، زمان از حرکت ایستاد. محمد که در آن هنگام ۲۶ ماهه بود، ابتدا پدرش را نشناخت و گریه کرد. طارق، با چشمانی تر، او را

زمستان ۲۰۲۳، آسمان غزه خشمگین بود. بمب‌های جنایتکاران اسرائیلی، مدرسه‌ای که صدها آواره را در خود جای داده بود، به جهنمی از آتش و خون بدل کردند. طارق ابوجبل، پدری ۳۵ ساله، در حیاط مدرسه بود که زمین زیر پایش لرزید. وقتی به کلاس درس دوید، جهانش فرو ریخت: ایمان، همسر ۳۳ ساله‌اش، میان دیوارهای فروپاشیده، در خون غلتیده بود. عمر و طلای، فرزندان، زخمی و هراسان، فریاد می‌کشیدند اما محمد، نوزاد ۱۳ ماهه‌اش، گم شده بود. در آن آشوب مرگبار، محمد، با چشمانی پر اشک، به کناری خزیده بود و گریه می‌کرد، تا اینکه موج فرار آوارگان او را بلعید. طارق، با قلبی که از غم پاره‌پاره شده بود، یک سال تمام در جست‌وجوی پسرش کوچ‌چه‌ای غزه را زیر پا گذاشت، غافل از اینکه در سویی دیگر، خانواده‌ای غریبه، محمد را چون گوه‌ری در آغوش کشیده‌اند. رسم نبحان، مردی ۴۱ ساله با چهره‌ای سوخته از آفتاب جنگ، در آن روز سیاه، میان دود و ویرانی، نوزادی گریان را یافت، نوزادی که نفسش از گریه به شماره افتاده بود. رسم، با دلی که از ترحم می‌لرزید، نوزاد را در آغوش گرفت و در میان رگبار گلوله‌ها به سوی جنوب دوید. پشت سرش، فریاد کودکان و بوی مرگ در هوا پیچیده بود.

فواکه، همسر ۳۴ ساله رسم، وقتی نوزاد را دید، اشک در چشمانش حلقه زد. «چهره‌اش مثل فرشته‌ای بود که از

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



فریاد آنجلینا جولی در اعتراض به جنایات اسرائیل در غزه

آنجلینا جولی، بازیگر سرشناس آمریکایی و سفیر پیشین حسن‌نیت سازمان ملل، بار دیگر با انتشار پیامی تکان‌دهنده در استوری اینستاگرام خود که بیش از ۱۶ میلیون دنبال‌کننده دارد، به بحران انسانی در غزه واکنش نشان داد. او در این پیام نوشت: «غزه به گور دسته‌جمعی فلسطینی‌ها و کسانی که به آنها باری می‌رسانند، تبدیل شده است. با تشدید حملات نظامی اسرائیل از هوا، زمین و دریا، زندگی فلسطینی‌ها به‌صورت سازمان‌یافته ویران شده، خانواده‌ها آواره گشته‌اند و دسترسی به کمک‌های اولیه عمداً مسدود شده است.» جولی که سال‌هاست از حقوق قربانیان درگیری‌های خاورمیانه دفاع می‌کند، در طول همکاری‌اش با کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، به مناطق جنگی مانند سوریه، عراق و یمن سفر کرده و از نزدیک با درد و رنج پناهیویان آشنا شده است. او پیش‌تر

نیز پس از سفر اخیرش به چاد، جایی که با پناهندگان سودانی فراری از جنگ داخلی دیدار کرد، در اینستاگرام خود تصویری از این ملاقات‌ها منتشر و نگرانی عمیق خود را از وضعیت اسفناک آنها ابراز کرده بود. پیام اخیر جولی درباره غزه، در زمانی منتشر شده که گزارش‌ها از افزایش چشمگیر قربانیان غیرنظامی و موانع جدی در مسیر ارسال کمک‌های بشر دوستانه به این منطقه حکایت دارند. این پیام بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته و بار دیگر جایگاه جولی را به‌عنوان صدایی تأثیرگذار و جهانی در حمایت از آسیب‌دیدگان درگیری‌های منطقه‌ای تثبیت کرده است. فعالیت‌های او نشان‌دهنده تعهد دیرینه‌اش به دفاع از حقوق بشر و جلب توجه جهانی به فجایع انسانی است. (العين)

